

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، بهار ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۸

انتقال قوانین مالیاتی عصر ساسانی به جهان اسلام در قرون نخستین اسلامی

سلیمان حیدری^۱
علی پورصادقی^۲

چکیده

کشته شدن یزدگرد، آخرین شاه ساسانی در سال ۳۶۱، در شمال شرق ایران توسط آسیابانی گمنام یکی از رویدادهای مهم تاریخ ایران محسوب می شود. با قتل این پادشاه به حیات سیاسی ساسانی خاتمه داده شد و ایران از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دچار تغییر و تحول شد. به رغم پایان حکومت ساسانی، عناصر تمدنی آن حکومت از جمله قوانین مالیاتی که سابقه دیرینه ای داشت به دوره اسلامی انتقال یافت. درباره شیوه انتقال و چگونگی تأثیرگذاری این قوانین تاکنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که قوانین مالیاتی ساسانی در چه بسترهایی انتقال یافته و در حوزه مالیاتی چه تأثیری بر قرون نخستین اسلامی گذاشته است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که قوانین مالیاتی ساسانی از جمله مقاسمه، عشور، مساحی و جزیه در قرون نخستین اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و در بسترهای مالی، جغرافیایی و فرهنگی انتقال یافته است.

کلیدواژه ها: اعراب مسلمان، تشکیلات مالی، خراج، ساسانیان، مالیات.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). soleymanheidari@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. a.poorsadeghi1977@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۳/۲۵

Transmission of tax laws of the Sasanid era to the Islamic world in the early Islamic centuries

Soleyman heidari¹

Ali poorsadeghi²

Abstract

The killing of Yazdgerd, the last Sasanid king in the years 31 in northeast Iran by an unknown miller, is one of the most important events in the Iran's history. By the murder of this king Sasanid's political life was terminated and Iran's status was changed socially, economically and culturally. In spite of the end of Sasanid government, civilization elements of that government like old tax regulations were transmitted to Islamic era. There has not been any independent study about the transmission and the quality of influence of these regulations yet. This article wants to answer this question using both a descriptive-analytic method and also an information collection one that in which contexts Sasanid's tax regulations had been transmitted and what effects they had in tax context in primary Islamic centuries? Findings of this study show that Sasanid's tax regulations like Mukasama, Ushur, Massahi and Jizya had been used in primary Islamic centuries and they had been transmitted in financial, geographical and cultural contexts.

keywords: Muslim Arabs, financial organizations, Kharāj, Sasanid, tax.

1. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author). soleymanheidari@shiraz.ac.ir

2. PhD candidate of Islamic Iran history, Shiraz University, Shiraz, Iran. a.poorsadeghi1977@gmail.com

درآمد

ساسانیان آخرین حکومت ایران باستان، در زمینه‌های گوناگون میراث‌دار تمدن‌های باستانی ایلام تا اشکانی محسوب می‌شود. فرمانروایان ساسانی جهت اداره کشور سیستم اداری- مالی منظم و کارآمدی بنیان‌گذاری کردند که در طول حیات سیاسی آن سلسله تکمیل و تداوم یافت. در دنیایی که حکومت‌ها به صورت قهرآمیز از مردم کسب درآمد می‌کردند، ساسانیان قانون و مقررات مالی منظمی ایجاد کردند که علاوه بر رفع نیازهای مالی حکومت، از ظلم و اجحاف در حق شهروندان نیز جلوگیری می‌کرد. پادشاهانی چون قباد و انوشیروان با ایجاد اصلاحات و تغییر در شیوه مالیات‌گیری سعی در اجرای عدالت و جلب رضایت شهروندان داشتند. بعد از انوشیروان نیز این شیوه مالیات‌گیری توسط دیگر پادشاهان ادامه یافت. با سقوط ساسانی توسط اعراب مسلمان، اگرچه ساختار سیاسی آن ساقط شد، اما دستاوردهای تمدنی آن در عرصه‌های مختلف باقی و به دوران اسلامی انتقال یافت. از جمله این دستاوردها قوانین و مقررات مالیاتی بود که پس از سقوط ساسانی باقی ماند و توسط اعراب مسلمان مورد توجه قرار گرفت.

سابقه و تجارب طولانی ایرانی‌ها در جمع‌آوری مالیات‌ها از دوره باستان تا پایان عصر ساسانی و همچنین غنی بودن تمدن ایرانی، در حوزه قوانین و مقررات مالیاتی موجب توجه اعراب مسلمان به این مسئله شد؛ چرا که اعراب پس از ورود و سکونت در ایران برای اداره این سرزمین و جمع‌آوری مالیات‌ها به ایرانی‌ها و تجاربشان نیاز داشتند. ساختار و نظام قبیلگی چنین تجربه‌ای را در اختیار اعراب قرار نداده بود و آنها بر حسب نیاز از ایرانی‌ها استفاده کردند. مقاله حاضر علاوه بر تأثیر قوانین مالیاتی ساسانی بر قرون نخستین اسلامی، به چگونگی انتقال آن قوانین در بسترهای مختلف پرداخته و از این بابت دارای نوآوری و تازگی است.

پیشینه پژوهش

درباره مسائل مالی ساسانیان و مسلمانان مطالب زیادی نوشته شده، اما هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به چگونگی انتقال و تأثیر آن پرداخته‌اند. بیشتر این

پژوهش‌ها در حوزه مالی‌اند و درباره اصل و منشأ این قوانین صحبتی به میان نیاورده‌اند. در این میان امام شوشتری (۱۳۴۹ش) در مقاله «تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در گسترش حقوق اسلامی»، به قوانین مالی دوره ساسانی اشاره‌ای کوتاه دارد اما قوانین را شرح نداده است. اجتهادی (۱۳۶۳ش) در کتاب *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمانان از آغاز تاپایان دولت اموی*، درباره منابع مالی مسلمانان در قرون نخستین گزارش‌های قابل توجه و مفیدی ارائه می‌دهد. عرب و صادقی (۱۳۹۲ش) در مقاله «برآورد درآمدی مالیاتی ساسانی»، به مسائل مالی ساسانیان و درآمدهای آنها پرداخته‌اند و از شکوفایی اقتصاد ساسانی بعد از اصلاحات انوشیروان خبر می‌دهند. میرزایی (۱۳۹۴ش) در مقاله «بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان»، به تشریح اصلاحات مالی انوشیروان پرداخته، اما از تأثیر آن در دوره اسلامی گزارشی ارائه نکرده است. فرزانه و دیگران (۱۳۹۶ش) در مقاله «نظام مالیات ایران باستان و تأثیر آن بر نظام مالیاتی در دوره اسلامی»، نظام مالیاتی مسلمانان را بررسی کرده‌اند، ولی بسترها و چگونگی انتقال آن را شرح نداده‌اند. بنابراین با توجه به خلأ مطالعات در این زمینه، این مقاله در صدد تشریح چگونگی انتقال و تأثیر این قوانین در قرون نخستین اسلامی است.

برای بررسی و درک بهتر این قوانین، در ادامه قوانین و مقررات مالیاتی ساسانیان تشریح و سپس به چگونگی انتقال و تأثیر آن در قرون نخستین اسلامی پرداخته می‌شود.

قوانین و مقررات مالیاتی عصر ساسانی

تا زمان پادشاهی قباد و انوشیروان، قانون و مقررات ثابت و استواری جهت دریافت مالیات‌ها وجود نداشت. معمولاً دریافت مالیات‌ها به شیوه «مقاسمه» بود. بنا به گزارش طبری (۷۰۲-۷۰۱/۲) از یک ولایت، یک سوم و از ولایتی دیگر یک چهارم و از ولایتی یک پنجم و از ولایتی یک ششم خراج دریافت می‌کردند. به احتمال زیاد این شیوه دریافت مالیات باعث می‌شد تا سهم پادشاه در سال‌های مختلف تغییر کند و در نوسان باشد. از این‌رو حکومت مرکزی نمی‌توانست آمار دقیقی از درآمد زمین‌های خراجی

داشته باشد. این شیوه مالیات‌گیری بر دیدگاه و نظر ماموران مالیاتی حاکم استوار بود و چه بسا ماموران سرموقع محصول را ارزیابی و بازدید نمی‌کردند و موجب خرابی بسیاری از محصولات کشاورزی می‌شدند (سامی، ۲۰۸). کشاورز باید منتظر می‌ماند و از محصول استفاده نمی‌کرد تا عاملان جهت تعیین خراج به آن ولایت فرستاده شوند. حتی بخشی از افراد جامعه که دارای امتیاز خاصی بودند از پرداخت مالیات معاف بودند. این روش عادلانه نبود. از این‌رو قباد تصمیم گرفت که سختی‌های مالیات عشر را کم کند (گردیزی، ۸۱). او برای حل این مشکل تصمیم گرفت زمین‌های کشاورزی را مساحی کند. بنا بر گزارش مسکویه (۲۹۵/۱) به دستور وی مساحان زمین را از دشت و کوه اندازه‌گیری کردند تا مالیات را بر اساس آن تعیین کنند.

قباد قبل از اینکه مساحی زمین‌ها تمام شود فوت کرد. قبل از فوت به فرزندش وصیت کرد که اندازه‌گیری زمین‌ها را تمام کند (بلعمی، ۶۷۹/۱-۶۸۰). با آمدن خسرو انوشیروان قانون و مقررات مالی جدیدی وضع شد که توسط پادشاهان بعد از وی نیز ادامه پیدا کرد. به نظر می‌رسد آنچه انوشیروان را تشویق به این کار کرد، وضعیت بد اقتصادی، اجتماعی، نظامی بود که شاهنشاهی ساسانی را دچار آسیب‌های گسترده‌ای کرده بود (میرزایی، ۲). انوشیروان که وارث مشکلات برجای مانده پادشاهان قبل از خود بود، راه برون رفت از این مشکلات را در اصلاحات جدید می‌دانست. وی که دارای اندیشه تازه و نوظهور بود (پروکوپیوس، ۱۶۰)، تغییراتی در ساختار اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرد. او در راستای این هدف به ترمیم سدها پرداخت و زمین‌های ویران را دوباره آباد کرد تا به زیر کشت و کار آید (لسترنج، ۲۹). با برنامه اصلاحی انوشیروان، کشاورزان محروم به زمین‌های خود بازگردانده شدند و از مزارع کوچک حمایت شد (Rubin, 254). شکسته شدن سدهای رود دجله، ساسانیان را از درآمد قابل توجه سواد (آسورستان) محروم کرده بود. به همین دلیل خسرو انوشیروان جهت بهبود اوضاع اقتصادی به ترمیم این زمین‌ها پرداخت. شاهان ساسانی به جایگاه کشاورزی به عنوان مهم‌ترین بخش ساختار اقتصادی پی برده بودند (عرب و صادقی، ۹۳). با این حال احتمالاً دل مشغولی قباد به مزدک و یاران وی باعث شده بود که وی

از این مسئله غافل بماند. اما انوشیروان تغییری در روش مالیات ارضی (خراج) ایجاد کرد و شیوه مقاسمه را به مقاطعه تغییر داد. بدین معنی که کشاورز مکلف بود سالانه به نسبت مقدار اراضی که در دست داشت، مبلغی مقطوع به عنوان خراج بپردازد و در برداشت محصول آزادی کامل داشته باشد (اجتهادی، ۲۱۶). در این روش زمین‌های کشاورزی پیمایش شد. مساحت بر مبنای واحد جریب که یک دهم هکتار و شصت زراع پهنا داشت (خوارزمی، ۷۷)، زمین‌های کشاورزی را ارزیابی و با توجه به نوع محصول، حاصلخیزی زمین و شیوه آبیاری نرخ ثابتی را مشخص کرده بودند.

پس از انجام مساحی، بازرس مخصوصی که «معاشر» نام داشت از طرف دولت، از اراضی مساحت شده بازدید می‌کرد (دنت، ۲۲). به نظر می‌رسد که انوشیروان برای جلوگیری از اعمال تقلب مساحت و ظلم عاملان مالیاتی، چنین ناظرانی انتخاب کرده بود. او برای گرفتن خراج محصولات کشاورزی اعلام کرد که مقدار خراج معین شده را در سه مرحله از سال بگیرند تا خزانه خالی نشود. اگر در یکی از ایالت‌ها بحرانی ایجاد می‌شد از مال آماده برای رفع مشکل استفاده می‌کردند تا نیاز به گرفتن خراج نباشد (طبری، ۷۰۲/۲-۷۰۴).

پس از مشخص شدن نوع محصولات هر ناحیه، نرخ‌های جدید مالیات با استناد به قانون مالیاتی معلوم و محاسبه شد. مثلاً برای هر جریب تاکستان ۸ درهم، هر جریب زمین گندم و جو ۱ درهم، هر جریب سبزی و یونجه ۷ درهم، بر هر چهار نخل پارسی ۱ درهم و بر هر شش نخل معمولی ۱ درهم و از هر شش درخت زیتون ۱ درهم مالیات مقرر شده بود (مسکویه، ۲۹۷/۱). خسرو انوشیروان دستور داد در پرداخت مالیات‌ها، پرداخت کنندگان سهم خود را به صورت نقدی و بر اساس واحد پولی درهم به دولت پرداخت کنند (دینوری، ۱۰۰). از این‌رو کشاورزان محصولات زراعی خود را در بازار به فروش می‌رسانند و در مقابل سکه نقره دریافت می‌کردند. به نظر می‌رسد قانون جدید مالیاتی رونق اقتصادی در بازار ایجاد می‌کرد که در حقیقت موجب اصلاح و تحول در نظام مالی و اقتصادی دولت ساسانی شده بود. با این حال برخی از محصولات مانند سبزیجات، کنجد، حبوبات، صیفی‌جات و پنبه از بخشودگی مالیاتی

برخوردار بودند (مسعودی، ۲۶۲/۱). به احتمال زیاد خشکسالی زمان قباد موجب شده بود که این محصولات کم‌تر تولید شود. با معافیت مالیاتی برای تشویق کشاورزان، این محصولات به وفور تولید و عرضه شدند.

در برنامه اصلاحی انوشیروان دهقانان وظیفه جمع‌آوری خراج را برعهده داشتند. آنان به سبب ارتباط با روستائیان و آشنایی با قوانین مالیاتی راحت‌تر می‌توانستند خراج را جمع‌آوری کنند. به همین جهت انوشیروان جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، بزرگان و زمین‌داران نافرمان را مورد بی‌اعتنایی قرار داد و قشر تازه‌ای به نام دهقانان را جایگزین آنها کرد (فاضلی پور، ۸۲). قانون مالیاتی که انوشیروان بنیان‌گذاری کرد، معافیت‌هایی را در برداشت که فردوسی (۱۴۹) نیز به آن اشاره کرده است:

به جایی که باشد زیان ملخ	بخواهید با داد و با آفرین
وگر تف باد سپهر بلند	وگر تف خورشید تابد به شخ
همان گر نبارد به نوروز نم	بدان کشتمندان رساند گزند
زمینی که آن را خداوند نیست	ببخشید کارند گان را ز گنج

به طور کلی، خرابی زمین، نامناسب بودن نوع آبیاری، آفات و سوانح عواملی بودند که در معافیت‌های مالیاتی اراضی دخیل بودند.

بدین ترتیب انوشیروان پس از بررسی دقیق قوانین مالیاتی جدید و ایجاد کارگروه تخصصی متشکل از مساحان، دهقانان، واستریوشان سالار و عوامل اجرایی دستور ترتیب خراج‌ها را صادر و از سرزمین آسورستان این قوانین اجرا شد (مسعودی، ۲۶۲/۱). بعد از وصول مالیات، مبلغ در حضور پادشاه با صدای بلند خوانده می‌شد. واستریوشان سالار، میزان وصولی ماهانه مالیات و عایدات و وضع خزانه را به عرض شاه می‌رساند و آن را مهر می‌کرد (سامی، ۲۱). پس از اطلاع به شاه، گهبد مالیات‌ها را به ترتیب وصول در دفتر سیاهه خود ثبت می‌کرد و در حضور نویسنده، دفتر روزنامه‌چه به مودیان رسید می‌داد. در آخر ماه گهبد پس از تطبیق سیاهه خود با ثبت دفتر روزنامه‌چه صورتی از مالیات‌های وصول شده تهیه و مهر می‌کرد و به دیوان می‌داد. در آخر سال هم جمع سیاهه گهبد با سر جمع رسیدهای مالیاتی و جمع دفتر روزنامه‌چه

مطابقت داده می‌شد (شاپوریان، ۳۱).

به نظر می‌رسد در ایالت‌ها همین قانون وجود داشته است. در گزارشی که تاریخ سیستان (۱۶۰) ارائه می‌دهد، مشخص می‌شود که تا زمان مأمون دفاتر مالیاتی در دیوان‌ها وجود داشته و به دستور حنین بن محمد اقدسی با هدف افزایش خراج‌ها آنها را سوزاندند.

قوانین خسرو انوشیروان شامل مالیات سرانه نیز می‌شد. کارگروه مالی قانونی وضع کرد که بر اساس آن مالیات سرانه از هر مرد بیست تا پنجاه ساله دریافت شود. مردان زیر بیست سال و بالای پنجاه سال از پرداخت این مالیات معاف شدند (مسکویه، ۲۹۸/۱). بینوایان و مردم بیمار ملزم به پرداخت مالیات نبودند (دینوری، ۱۰۰). در این نوع قانون مالیاتی، توانایی مالی افراد میزان پرداخت را مشخص می‌کرد. ثروتمندان ۱۲ درهم، افراد متوسط ۸ درهم و کسانی که از لحاظ مالی ضعیف‌تر بودند ۶ درهم برایشان در نظر گرفته شد (طبری، ۴/۲-۷۰۲). مدت زمان پرداخت این نوع مالیات مانند قانون خراج بود و افراد می‌توانستند هر چهار ماه یکبار مالیات خود راپردازند. اما اقشاری چون خاندان‌های بزرگ، جنگاوران، هیربدان، دبیران و کسانی که به شاه خدمت می‌کردند از مالیات معاف بودند. در تاریخ قم از بخشودگی مالیاتی هفت خاندان گزارش شده است: «اول اهل بیوتات، دوم طایفه زنان، سوم کتاب و اهل علم، چهارم جمعی که به رسم خدمتکاری پیش دیگران باشند و خدمت ایشان کنند. پنجم آنکه سال او به بیست نرسیده و یا از پنجاه گذشته باشد. ششم طایفه درویشان از عجز و مساکین و هفتم جمعی که به سبب علت و مرض از جای برن‌توانند خاست» (قمی، ۱۷۹).

پس از نوشتن قانون و مقررات مالیاتی، خسرو انوشیروان برای داوران شهرها رونوشتی از فهرست خراج فرستاد تا کارگزاران بر آن چیزی اضافه نکنند (ابن اثیر، ۵۲۷/۲). از این فهرست سه نسخه تهیه شد که در اختیار دیوانیان، عاملان مالیاتی و قاضیان قرار گرفت (طبری، ۷۰۳/۲).

قانون و مقررات مالی خسرو انوشیروان دارای نظامی کارآمد بود؛ چون درآمد شاه را افزایش، نظام پرداخت‌ها در مالیات‌ها را عادلانه‌تر و داد و ستد داخلی را می‌داد. به

احتمال زیاد در این قانون و تشکیلات جدید مالی واستریوشان سالار علاوه بر نظارت دریافت مالیات‌ها، مشکلات پرداخت‌کنندگان مالیات (روستائیان و کشاورزان) را به پایتخت اطلاع می‌داد. پس از سقوط ساسانیان قوانین مالیاتی آنها در بسترهایی به دوره اسلامی انتقال یافت که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

چگونگی انتقال قوانین مالیاتی ساسانی به دوره اسلامی

۱- بستر اقتصادی

در طول چهارصد سال حکومت ساسانی نظام اقتصادی ایران دارای قانون و مقررات منظم و کارآمد بود. زمانی که اعراب به ایران حمله کردند شرایط مالی، آنان را به پذیرش این قوانین و مقررات مجبور کرد. اگرچه اعراب با فتح مدائن به بایگانی و اسناد مالی ساسانی دست پیدا کردند، به دلیل شرایط اقلیمی و نداشتن زمین‌های کشاورزی نحوه استفاده و کاربرد این قوانین و اسناد را نمی‌دانستند. از این‌رو اعراب مسلمان به این مسئله پی بردند که طبقه دهقانان و عوامل اجرایی این قوانین را مانند دوره ساسانی به کار گیرند. آنها قوانین مالی و نحوه دریافت مالیات‌ها و چگونگی محاسبه آن را برای اعراب تشریح کردند. دهقانان نمایندگان دولت عربی و عامه مردم ایران و واسطه حل و عقد امور بودند (صدیقی، ۹۷). این طبقه که ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی عصر ساسانی را دارا بودند با حاکمان عرب چنان رابطه نزدیکی برقرار کردند که زیاد بن ابیه، حاکم خراسان برای ورود دائمی دهقانان به دربار خویش مشکلی نداشت (زیدان، ۲۰۵). در سایه همین ارتباطات نزدیک و رفت و آمدها بود که قوانین مالی ساسانی به دوره اسلامی راه یافت.

به علت عدم آشنایی اعراب با نظام اداری، آنها برنامه‌ای برای املاک واقع در بیرون شهرها و روستائیان نداشتند و امور خود را توسط تشکیلات محلی حکومت‌های بلدی و به کمک یکی دو نفر از طبقه دهقانان اداره می‌کردند. این دهقانان در برابر حمایت اعراب باید مبلغی را پرداخت می‌کردند (دنت، ۴۹). اعراب با روش‌های مالیاتی مقاسمه و عشور دوره ساسانی آشنایی اندکی داشتند، اما زمانی که ایران را فتح کردند با گستردگی و پیچیدگی مالیات‌ها و انواع زمین‌ها مواجه شدند و جهت تسهیل و اجرای

امور مالیاتی به دهقان‌ها روی آوردند.

۲- بستر جغرافیایی و محیطی

عامل مهم دیگری که در پذیرش قوانین مالی ساسانیان نقش داشت، وضعیت جغرافیایی ایران بود که موجب مهاجرت گسترده و اسکان اعراب در برخی ایالت‌های خراسان، فارس، قم و سیستان شد. با مهاجرت اعراب به ایران تعدادی از آنان از طریق خرید زمین و تصاحب برخی از اراضی مزروعی مالکان کشته شده و فراری، صاحب زمین‌های کشاورزی و با مقررات مالی آشنا شدند.

تا قبل از فروپاشی ساسانیان اگرچه اعراب تمایل به مهاجرت به ایران داشتند، اما دولت حیره و اقتدار ساسانیان مانع از انجام این کار می‌شد. پس از فروپاشی حکومت ساسانی مهاجرت‌های گسترده به ایران صورت گرفت. عامل مهمی که باعث این مهاجرت‌ها شد، وضعیت جغرافیایی عربستان و جاذبه‌های اقلیمی ایران بود. محیط طبیعی، «بلاد اعراب را پهنه‌ای بیابانی ساخت که آفتاب آن را می‌گدازد، آب در آن کم می‌آید و هوا به خشکی می‌گراید، این‌ها عواملی هستند که به کشت و گیاه اجازه بالندگی نمی‌دهند» (جواد علی، ۱/۲۶۱). خشکی، فرمانروای مطلق شبه جزیره است و در این سرزمین کمتر باران می‌بارد، به همین سبب بیشتر اراضی جزیره العرب را بیابان‌های بی‌آب و علف تشکیل می‌دهد (سالم، ۵۳). زندگی در حجاز دشوار بود و کسب و کار محدود و خوراک اهالی آن از جاهای دیگر تأمین می‌شد (یعقوبی، *البلدان*، ۷). خشکی و کم‌آبی سرزمین جزیره العرب موجب شده بود که جمعیت کمی از اعراب در کنار یکدیگر قرار گیرند. تنش آبی، عوامل طبیعی و اجتماعی موجب شده بود تا در آنجا اجتماعات بشری به‌طور گسترده شکل نگیرد و روابط آنها مانند جامعه شهری و روستایی پیچیده نباشد و ارتباطات آنها در حد همان چند قبیله و طایفه باقی بماند. موقعیت جغرافیایی جزیره العرب به گونه‌ای بود که شن‌های وسیع کویر از هر دو طرف آن را احاطه کرده بود و مانع ارتباط آنها با امپراتوری‌های روم و ایران می‌شد (salahuddin Mohd and Sitisara Binti Hj, 272).

در مقایسه با شبه جزیره عربستان وضعیت اقلیمی و آب و هوایی ایران متنوع بود و متناسب با همین اقلیم، جامعه شهری و روستایی ایران دارای قوانین و مقررات مالی و اداری بود که اساس اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی و بازرگانی بود. در مقابل شیوه معیشتی اعراب که دامداری بود، قوانین پیچیده‌ای نداشت. اما شیوه تولید زراعی در ایران موجب ارتباطات گسترده جوامع انسانی می‌شد.

در همان سده نخست هجری مناطقی مانند اصفهان، فارس، قم، کاشان و خراسان مقصد اعراب مهاجر بود و خراسان عربستان دوم شد (wellhausen, 412). با سکونت اعراب در ایالت‌های ایران آنها به شکل‌های مختلف صاحب زمین شدند و به کشت و زرع پرداختند (دنت، ۸) و به تدریج در گروه جمعیتی ایران درآمیختند. نکته مهمی که باید اشاره کرد اینکه تغییر از شیوه معیشتی کوچ‌روی به شیوه یکجانشینی مستلزم آشنایی با قوانین و مقررات کشاورزی بود. نحوه تقسیم آب و زمین، محاسبه درآمدها و مالیات‌ها در ایران دارای قوانینی بود که اعراب را ملزم به پذیرش آنها می‌کرد.

۳- بسترهای فرهنگی

در بستر فرهنگی باید به مترجمان، دبیران و نویسندگان ایرانی اشاره کرد که در تشکیلات اداری ساسانی تربیت شده و با سیستم اداری و مالی آنها آشنا بودند. در واقع کاتبان، مترجمان، دبیران، موبدان و هیربدان، فرماندهان لشکر، فرمانروایان ایالت‌ها دستاوردهای فرهنگی ساسانیان را به نسل‌های آینده منتقل کردند. آنها به سبب تبحر در امور دیوانی و تشکیلاتی، اعتبار و تشخص خود را در دستگاه سیاسی خلفا به دست آوردند و حفظ کردند (فرزانه و دیگران، ۸). با توجه به نیاز اعراب مسلمان به قوانین مالی عصر ساسانی، آنها فرصت را مغتنم شمردند تا از این طریق دستاوردها را حفظ و نگهداری کنند.

از معروف‌ترین چهره‌های فرهنگی که در این زمینه تلاش کردند، عبدالحمید کاتب بود. وی از مردم فارس و در زمان هشام بن عبدالملک در دیوان رسائل مشغول به کار

و در دستگاه آخرین خلیفه اموی ریاست دارالانشاء را برعهده داشت. از وی چندین رساله باقی مانده که در آن رساله‌ها فن دبیری را به دبیران می‌آموزد. گویا در آن مقطع زمانی عبدالحمید به فکر اصلاح ساختار اداری و تشکیلاتی امویان بود. نامه‌های او شامل موضوعات متفاوتی از جمله نظامی، آداب و رسوم ایرانیان در ملک داری، سیاست و رفتار فرمانده با زیر دستان می‌شود. بخش دیگری از رساله وی به سیاست اداره سپاه در تعیین افراد شرطه، قضات و مسئولان امور مالی اختصاص دارد (الفاخوری، ۲۶۱-۲۶۰). عبدالحمید با نوشتن رسائل خود به نوعی شیوه ملکداری و اداره امور کشور را به خلفاء گوشزد می‌کرد. هدف وی توسعه و نفوذ فرهنگ ایرانی و پاسداری از آن در برابر حمله اعراب بوده‌است. با توجه به اینکه عبدالحمید زبان پهلوی ساسانی و عربی را به خوبی می‌دانست، در انتقال دستاوردهای اداری که امور مالی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، نقش مهم و برجسته‌ای داشت.

بعد از عبدالحمید، ابن مقفع نیز نقش مهمی داشت. وی ابتدا در فارس با فرهنگ ایرانی تحصیل کرد و در دستگاه امویان به شغل دبیری پرداخت. زمان شکل‌گیری خلافت بنی‌عباس تنها ده سال از عمرش در خدمت آنها بود. او در مدت اندک خدمات مهم و شایسته‌ای انجام داد که در پناه نزدیکی با بنی‌عباس، هدفش توسعه آداب و رسوم اجتماعی و سیاسی ایرانیان در آن مقطع زمانی بود. وی آثار برجسته‌ای از جمله *خدای نامه*، *آیین نامه*، *التاج* در سیرت انوشیروان و *کتاب مزدک* را ترجمه کرد (ابن ندیم، ۱۵۰). از مهمترین آثار ابن مقفع که در واقع یک نوآوری محسوب می‌شد، *رساله الصحابه* است. این اثر بیانی، در نقد نظام حکومتی و وجوب اصلاح آن بر مبنای تشکیلات حکومتی ایران است (الفاخوری، ۳۳۱). او در این رساله به تشریح امور اجتماعی پرداخته و آشفته‌گی و پریشانی امور قضایی را بیان می‌کند. وی چاره کار را در ایجاد یک قانون واحد می‌داند و به منصور خلیفه عباسی این پیشنهاد را می‌دهد. آنگاه به امر خراج می‌پردازد و از آشفته‌گی عارض بر آن شکایت می‌کند. راه اصلاح را در آن می‌داند که جهت انجام این امور کسانی انتخاب شوند و در کار آنها دقیقاً نظارت شود (همان، ۳۳۲).

پس از تثبیت و نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت بنی‌عباس، وزیران، مترجمان، مشاوران، دبیران و موبدان زرتشتی در بستر فرهنگی، قوانین مالی دوره ساسانی را به عصر اسلامی انتقال دادند. بیت الحکمه از مهمترین مراکز انتقال بود که تمرکز فعالیت‌های آن بر ترجمه و سامان دادن نتایج ترجمه‌های تاریخ و فرهنگ ساسانی از فارسی به عربی بود. این مرکز بخشی از دستگاه اداری عباسی بود که مهمترین کارکرد آن حفظ اسناد بود. این دستگاه اداری بر قلب دستگاه اداری ساسانیان بنا شده بود و در واقع بایگانی ملی بود (گوتاس، ۸۰). عواملی که در این انتقال نقش داشتند: اندیشه شعوبی‌گری و تشویق مترجمان و اندیشمندان از طرف وزیران ایرانی و خلفای عباسی بود. از جمله کسانی که در این نقل و انتقالات نقش داشتند، می‌توان از افرادی چون سهل بن هارون، خاندان نوبخت، عمر بن فرخان، طبری و خاندان برمکی نام برد که آثار متعددی از کتاب‌های قدیم ایرانیان را به عربی ترجمه کردند (ابن ندیم، ۳۰۳). از جمله دبیران که در زمینه امور مالی نقش مهمی داشته، حفص بن منصور مروزی بود که در زمان خلافت هارون در جایگاه دبیری دستگاه علی بن عیسی بن ماهان، کتاب خراج خراسان را تألیف کرد (گردیزی، ۲۹۰).

موبدان زرتشتی نیز که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین ساسانی را بر عهده داشتند، در زمان عباسیان آثار مهمی خلق کردند و در زمینه انتقال قوانین ساسانی نقش برجسته‌ای داشته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به دینکرد، بندهش، داستان دینک، شایست و ناشایست اشاره کرد. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که انتقال قوانین مالی ساسانی در بسترهای ذکرشده چه تأثیری بر قرون نخستین اسلامی گذاشته است.

تأثیر قوانین مالیاتی عصر ساسانی بر قوانین دوره اسلامی

با سقوط حکومت ساسانی سیستم منظم و کارآمد اداری که آنها برای اداره قلمرو خود ایجاد کرده بودند باقی ماند و بر تشکیلات دیوانی اسلامی تأثیر گذاشت. اعراب مسلمان که در واقع میراث‌دار ساسانیان بودند جهت اداره قلمرو خود از این روش در حوزه‌های اداری، مالی و قضایی استفاده کردند. قبل از انقراض ساسانیان، بین ایرانیان و

اعراب ارتباطات اقتصادی و فرهنگی وجود داشت و اعراب با برخی از شیوه‌های مالیاتی آنها آشنایی داشتند. املاکی که تازیان در عربستان داشتند و نیز قطایعی که خلافت بعدها در ممالک مفتوحه به آنها واگذار کرد، تابع عشر بودند، یعنی تنها یک دهم از عایدات این املاک به صورت مالیات پرداخت می‌شد (فرای، ۲۶۷/۴). آشنایی اعراب با این شیوه موجب شد حتی زمانی که صاحب زمین‌های خراجی شدند، به ناحق ادعا کنند که بابت زمین‌های مزبور تنها باید عشر بپردازند (لمبتون، ۷۲). فاتحان مسلمان پس از فتح ایران جهت انتظام بخشیدن به امور مالی، دفاتر و اسناد دوره ساسانی که مربوط به مالیات‌بندی و مساحی زمین‌ها بود را معیار امور مالی قرار دادند و دیوان خراج را تأسیس کردند.

در زمان رسول الله ﷺ از لحاظ مالی همه مسلمانان تقریباً در یک سطح بودند. هنوز تا زمان تشکیل حکومت اسلامی اخذ حقوق اموال تجاری به نسبت ده یک از قدیم بین ممالک آن روز به خصوص ملوک جاهلی معمول بود تا اینکه پیامبر ﷺ آن را به عنوان یکی از سنت‌های عهد جاهلی ممنوع کرد (اجتهادی، ۲۴۹). مهم‌ترین منابع مالی پیامبر ﷺ در ابتدا زکات بود که جنبه اختیاری و دستگیری از برادر مسلمانان بینوا را داشت (امام شوشتری، ۶). این نوع پرداخت افزون بر این که نوعی عبادت بود، موجب ارتباط و همبستگی نیز می‌شد (Misri and Abdul Manan, 2). می‌توان گفت که زکات علاوه بر جنبه اقتصادی، با رویکرد سیاسی و ایجاد وحدت در امت اسلامی اخذ می‌شد.

بعد از جنگ بدر و بدست آمدن غنائم جنگی وضعیت مالی مسلمانان بهتر و یک پنجم این غنائم سهم پیامبر ﷺ شد. در جریان فتح خیبر، پیامبر ﷺ با اهالی آنجا قراردادی بست که اراضی در دست آنها باقی بماند و زراعت نمایند و محصول را با مسلمانان نصف کنند (بلاذری، ۳۹). به نظر می‌رسد که در عربستان شیوه مالیاتی مقاسمه و عشور اجرا می‌شد و زمانی که ایران توسط اعراب مسلمان فتح شد آنها با روش مساحی آشنا شدند و آن را به کار بردند.

در زمان ابوبکر درآمد مسلمانان همان غنائم جنگی، خمس، زکات و پیش‌کش‌هایی

بود که از طرف مردم آورده می‌شد. در زمان خلیفه دوم به علت توسعه فتوحات سیل ثروت‌های سرزمین ایران و شام وارد خزانه مسلمانان شد. قانون و مقررات تقسیم این ثروت‌ها در بین مسلمانان، مانند زمان پیامبر ﷺ و ابوبکر دیگر کارایی نداشت. در واقع یک نوع پریشانی و آشفتگی در طرز استفاده از این درآمدها و محاسبه آن وجود داشت. ایجاد یک دیوان بر این آشفتگی‌ها پایان می‌داد، چرا که دیوان ارتباطی بین فتوحات و ثبت غنائم ایجاد می‌کرد (Yousefi, 31). عمر برای رفع این مشکل بنا به پیشنهاد هرمزان، از قانون مالی ساسانیان استفاده کرد و توضیحاتی که او درباره ایجاد دیوان به عمر داد، مورد پسندش قرار گرفت و دستور ایجاد دیوان را صادر کرد (ابن خلدون، ۱/۴۶۶).

با فتح سرزمین‌های ساسانی خصوصاً سواد، این آشفتگی و اختلاف بین مسلمانان در نحوه استفاده از آن افزایش یافت. چون اکثر جنگجویان مسلمان معتقد بودند که این زمین‌ها جزو غنائم جنگی محسوب می‌شود و باید تقسیم شوند. بدون شک مشاوران ایرانی و عرب خلیفه دوم و دسترسی اعراب به اسناد مالی ساسانی در تیسفون، آنان را به این امر آگاه کرد که این سرزمین درآمد قابل توجهی برای حکومت دارد و از تقسیم شدن آن جلوگیری کردند. از طرفی قطعه قطعه شدن زمین‌های سواد و عدم آشنایی اعراب به کشاورزی موجب از بین رفتن کشاورزی می‌شد و حکومت را از منبع مالی مهمی محروم می‌کرد. به دنبال عدم موافقت عمر با تقسیم سواد، عثمان بن حنیف و حذیفه بن یمان سواد را مساحی کردند. عمر دستور داد بر هیچ کس بیش از توانایی او بار نکنند، پس خراج سواد به هشتاد هزار هزار درهم رسید (یعقوبی، تاریخ، ۲/۳۹). طبق گزارش *الخراج*، عمر زمین‌های سواد را مساحی کرد و به ۳۶ هزار هزار جریب رسید. بر روی هر جریب زمین زراعی، درهم و قفیزی وضع کرد و بر روی انگور، ده درهم و بر روی ابریشم، پنج درهم مالیات بست (ابویوسف، ۳۶). جهت تعیین نرخ‌های مالیاتی، عمر از نرخ‌های مالیاتی که توسط خسرو انوشیروان مقرر شده بود، تبعیت کرد. با این تفاوت که وی برای اراضی لم یزرع هم مالیات مقرر کرد و از هر جریب گندم به جای یک قفیز، دو قفیز دریافت کرد (طبری، ۱/۹۶۳-۹۶۲).

عمر به خوبی پی برد که جهت جمع‌آوری خراج (مالیات ارضی) باید از تجربیات ایرانی‌ها استفاده کند. دهقانان به سبب نفوذ و تعامل با روستاییان می‌توانستند این امر را به راحتی انجام دهند. به همین علت در سواد عده کمی از عناصر نجیب زاده ساسانی، مخصوصاً دهقانان و کدخدایان به عنوان عامل اعراب کار می‌کردند (قدمه‌بن جعفر، ۴۳). تشکیلات و قوانین مالیاتی این مقطع زمانی همانند دوره ساسانی دست نخورده باقی ماند و کسانی که در این نظام درآمدی مشغول به کار بودند، ابقاء شدند. این نوع مالیات دارای قانون و مقرراتی بود که شامل زمین‌های زراعی می‌شد. زمین‌های غیر قابل کشت و یا حتی مسکونی از پرداخت خراج معاف بودند. نوع آبیاری زمین در میزان مالیات دریافتی موثر بود؛ زمین‌های زراعی و باغی که با آب جاری (چشمه، رود، باران) آبیاری می‌شدند یک دهم (عشر) و زمین‌هایی که با دلو آبیاری می‌شد نصف یک دهم (یک بیستم) محصول آنها مشمول مالیات می‌شد (قمی، ۱۷۲).

در زمان امویان با توسعه قلمرو مسلمانان، نیاز به یک سیستم مالی منظم و کارآمد، بیشتر احساس شد. امویان برای تسلط و اداره بهتر قلمرو خود همان شیوه تقسیم کشور به ایالت‌ها را به کار بردند. این روش که برگرفته از عهد ساسانی بود تا دوره عباسیان نیز ادامه پیدا کرد. گاهی در این تقسیمات تغییراتی داده شد، اما هدف اصلی از این تقسیمات، اداره امور مالی، وصول مالیات و خراج‌ها بود (سامی، ۳۰۹).

امویان جهت انتظام بخشیدن به امور مالی، دیوانی تأسیس کردند که به طور رسمی و قانونمند مالیات‌ها را جمع‌آوری و ثبت می‌کرد. پایه و اساس این دیوان در زمان عمر شکل گرفته بود، اما در این دوران به طور گسترده رسمیت یافت. حتی زمان عبدالملک بن مروان کارکنان و مدیران دیوان مالیاتی فارسی زبان بودند و دفاتر را به زبان پهلوی می‌نوشتند. تا اینکه حجاج بن یوسف ثقفی دستور داد تا دفاتر را از زبان فارسی به عربی تبدیل کنند (ابن خلدون، ۱/۴۶۷).

به گزارش یعقوبی (تاریخ، ۲۵۸/۲-۲۵۹)، زیاد که دوازده سال استاندار عراق بود، نخستین کسی است که دیوان را بنا نهاد و از دفاتر ثبت، نسخه برداری کرد. بر اساس این گزارش می‌توان دریافت که زیاد قبل از حاکمیت عراق با قوانین مالی و تشکیلات

اداری ایران آشنایی داشت. به نظر می‌رسد امویان در امور مالی و اداری پیرو قوانین مالی دوره ساسانی بودند و عوامل اجرایی بالادستی را از بین اعراب آشنا به این قوانین انتخاب می‌کردند. چنانکه بعد از زیاد فرزندش عبیدالله که از طرف معاویه والی بصره شد، مأمور جمع‌آوری خراج بود و او هم جهت جمع‌آوری خراج از دهقانان هر محل استفاده کرد (اجتهادی، ۱۲۲).

بنیان‌گذاران خلافت عباسی تعصب عربی و پیوندهای قبیله‌ای را کم رنگ کردند و به جای آن بنیان حکومت خود را بر سیستم اداری ساسانی متمرکز کردند. این سیاست موجب توسعه و گسترش فرهنگ ایران ساسانی شد. در آن مقطع زمانی به طور کامل و گسترده قوانین مالی و اقتصادی ساسانی اجرا شد که این امر ناشی از حضور وزیران ایرانی در دستگاه خلافت بود. روش عباسیان در گرفتن مالیات‌ها نسبت به دوره اموی متعادل‌تر شد و برای مالیات ارضی قانون ثابتی ایجاد کردند. جهت اجرای کامل و دقیق قوانین مالیاتی می‌بایست مانند دوره انوشیروان زمین‌ها را مساحی کنند. طبق گزارش تاریخ قم در فاصله سال‌های ۱۸۹-۳۰۳ جهت تعیین خراج، هشت بار زمین‌های قم را مساحی کردند (قمی، ۱۰۱).

خلفای اولیه عباسی به تبعیت از قوانین مالی انوشیروان، هنگام خشکسالی مالیات‌ها را تخفیف یا مستثنی می‌کردند. معمولاً خراج‌ها را به اقساط می‌گرفتند و در تحصیل آن از گاه شماری ماه روز که به معنی شمارش ماه‌ها و روزهاست استفاده می‌کردند. این تقویم مالیاتی در زمان عمر بن خطاب توسط هرمزان در بین اعراب مرسوم شده بود (اصفهانی، ۴). چنانچه زراعت زمین آباد زحمت زیاد نداشت، سهم دولت نیم حاصل زمین بود و گرنه به تفاوت وضع زمین از یک سوم تا یک پنجم می‌گرفتند و محصول باغ‌ها و نخیلات را محاسبه می‌کردند و معادل یک نیمه یا یک سوم مالیات می‌گرفتند (طبری، ۷۰۲/۲).

روش‌های مالیات‌گیری عباسیان براساس همان شیوه مقاسمه و مساحی زمان ساسانیان بود. در روش مساحی، مالیات‌ها چه به صورت نقدی و جنسی تا زمان خلافت منصور ادامه داشت. او تغییراتی در میزان قیمت‌ها و طرز تقویم خراج‌ها پدید

آورد. مقرر شد که خراج را برحسب محصول واقعی زمین تقویم کنند نه بر حسب مساحت. پس ملاکی که برای تقویم خراج معین کردند ظاهراً عبارت بود از نصف حاصل زمین‌های دیمی و یک سوم حاصل زمین‌هایی که با دالیه آبیاری می‌شد و یک چهارم محصول زمین‌هایی که با دولاب آبیاری می‌شد (لمبتون، ۹۰). در این میان یک مشکل اساسی وجود داشت. آن هم برداشتن کیسه از سال‌های شمسی بود که زمان دریافت مالیات‌ها با زمان برداشت محصول با هم تطابقی نداشت. این مسئله باعث ضرر کشاورزان شد و آنها جهت پرداخت خراج به خزانه مجبور بودند تا محصولات را با قیمت پایین‌تری به فروش برسانند. ظاهراً این مشکل تا زمان متوکل عباسی وجود داشته و او جهت رفع این مشکل با موبدان به مشورت نشست و آنها عرضه داشتند که هر چند پادشاهان ایران هنگام نوروز از رعیت خراج می‌خواستند ولی نوروز هنگامی فرا می‌رسید که غلات به دست آمده بود (بیرونی، ۵۱).

جزیه از دیگر منابع مالی مسلمانان در قرون نخستین اسلامی بود که سابقه آشنایی اعراب با آن به دوران قبل از اسلام می‌رسید. ساسانیان از غیر زرتشتیان جزیه می‌گرفتند. در واقع جزیه نوعی مالیات سرانه است که حکومت‌ها از مردم دریافت می‌کردند. درباره ریشه لغوی جزیه نظراتی مطرح شده و بیشتر منابع اسلامی جزیه را عربی دانسته‌اند. قدامه بن جعفر (۱۳۷) جزیه را از جزی، یجزی به معنی کف یعنی مانع شدن و جلوگیری کردن، بیان کرده و معتقد است بعد از وضع جزیه بر قومی، آن جزیه مانع از قتل و کشتار آن قوم خواهد شد. ماوردی (۱۶۳) جزیه را از جزا دانسته و می‌گوید: جزیه‌های که اهل ذمه می‌پردازد، یا جزای کفر آنها و یا جزای امانی است که مسلمین به آنها می‌دهند. به نظر می‌رسد غیر مسلمانان با پرداختن مقداری مال به صورت نقدی و جنسی در پناه امن حکومت قرار می‌گرفتند و مانع از آزار و اذیت و کشته شدن آنها می‌شد.

با تشکیل حکومت اسلامی و گسترش آن در جزیره العرب، پیامبر ﷺ در برخورد با غیر مسلمانان خصوصاً زرتشتیان، همان قوانین مالی دوره ساسانی را اعمال کرد و بر آنان جزیه بست. با گسترش فتوحات در زمان خلیفه دوم، تعداد مالیات دهندگان جزیه

رو به افزایش نهاد و درآمد قابل توجهی نصیب خزانه شد و از این رو عمر در مورد جزیه از مقررات موضوعه انوشیروان پیروی کرد (دنت، ۲۵). با پیروی عمر از قوانین دوره ساسانی این نوع درآمد، منظم و تحت قانون قرار گرفت تا هم والیان و فرمانروایان در ولایات وظایفشان مشخص شود و هم اینکه به زور از مردم مناطق مفتوحه مبالغ بیشتری گرفته نشود. بر طبق این قانون عمر دستور داد تا از ثروتمندان ۴۸ درهم و از مردم طبقه متوسط ۲۴ درهم و از فقرا ۱۲ درهم به عنوان جزیه دریافت کنند (بلاذری، ۳۸۷). در تعیین میزان جزیه، حداقل از طرف شرع تعیین شده و حداکثر آن به نظر حکومت واگذار شده بود در حالی که حداقل و حداکثر خراج وابسته به نظر حکومت بود (ماوردی، ۱۶۳).

مهم ترین عاملی که میزان دریافتی جزیه را مشخص می کرد توانایی مالی افراد بود. در برخی موارد عاملان مالیاتی در تشخیص فقیر و غنی بودن افراد دچار تناقض می شدند. به همین دلیل ابویوسف (۱۳۳) به هارون توصیه می کند که در تعیین عاملان مالیاتی، دین و ایمان آنها را ملاک انتخاب قرار دهد تا مصالح مسلمین و جزیه دهندگان را مورد توجه قرار دهد.

با تغییر نگرش امویان در خلافت و گرایش به اشرافی گری، آنها سعی کردند تا منابع مالی و درآمدی بیشتری داشته باشند. از این رو نسبت به جزیه دهندگان ظلم و تعدی زیادی انجام دادند. اوج این تعدی ها در زمان حجاج بن یوسف ثقفی بود که حتی از نومسلمانان جزیه دریافت می کرد و قوانین شرع اسلام را رعایت نمی کرد. به دلیل اینکه مقدار جزیه را حاکم مشخص می کرد آنها در بیشتر مواقع با توجه به شرایط مالی خزانه نرخ آن را مشخص می کردند.

به نظر می رسد در دوران عباسیان شرایط اجتماعی اهل ذمه نسبت به دوران اموی بهتر شده بود. ظلم و ستم نسبت به اهل ذمه کمتر شد و از لحاظ اجتماعی جایگاه بهتری پیدا کردند. اما همچنان کسانی که جزیه پرداخت می کردند از شرایط موجود ناراضی بودند؛ چون حکومت مرکزی بر عاملان مالیاتی نظارت دقیق نداشت و آنها با ذمی ها رفتار مناسبی نداشتند تا جایی که در زمان هارون الرشید، حمزه آذرک برای

تحریک مردم خراسان و سیستان بر ضد خلفا شعار می‌داد که نباید یک درهم خراج و مال به خزانه بغداد داد که این اقویا بر ضعفا ستم کنند و مردم نیز از وی استقبال کردند (تاریخ سیستان، ۱۵۸).

نتیجه

دوره حکومت انوشیروان رویداد مهمی در تاریخ ساسانیان به شمار می‌رود. وی با هدف قدرتمند کردن امپراتوری ساسانی به اصلاحات بنیادی و ساختاری دست زد. او در این زمینه قوانین جدید مالیاتی وضع کرد که موجب وحدت مالی و انتظام بخشیدن به تشکیلات اقتصادی شد؛ زیرا قوانین جدید بین درآمدها و مخارج‌های شاهنشاهی ساسانی یک نوع تعادل ایجاد کرد و موجبات رونق و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی را فراهم کرد. رشد و پیشرفت‌های مالی، نظامی و فرهنگی شاهنشاهی ساسانی در زمان انوشیروان اثبات کرد که این قوانین کامل‌ترین و موفق‌ترین قوانین مالیاتی آن مقطع زمانی بوده‌است. با جایگزینی اعراب مسلمان به جای ساسانیان و گسترش سرزمین‌های اسلامی، نیاز به قوانین منسجم و کارآمد برای گرفتن مالیات‌ها احساس شد تا از طریق آن نیازهای مالی حکومت اسلامی رفع شود. از آنجایی که ایرانیان تجارب گسترده‌ای در گرفتن مالیات‌ها و اداره امور مالی داشتند، حاکمان مسلمان برای گرفتن مالیات‌ها از تجارب آنها بهره بردند. ایرانیان که هدفشان حفظ دستاوردهای گذشته بود، فرصت را مغتنم شمردند تا میراث گذشته ایرانی را حفظ و به نسل‌های آینده انتقال دهند. باید اذعان کرد که انتقال قوانین مالیاتی و عملیاتی کردن آن به صورت تدریجی انجام شد. در دوره‌های اولیه حکومت اسلامی و در عصر خلفای راشدین، ایرانیان قوانین مالیاتی را به صورت شفاهی و مبانی نظری در قالب مشاوره‌هایی که به خلفا می‌دادند، انتقال دادند. با آغاز قرن دوم، قوانین مالیاتی هم در عمل و هم به صورت تئوریک مورد استفاده قرار گرفت. ظهور عباسیان با کمک ایرانی‌ها و تفاوت رویکرد آنان با امویان مبتنی بر سیستم اداری و دیوان سالاری به جای نظام عشیره‌ای و قبیله‌ای، موجبات افزایش نفوذ ایرانیان را فراهم کرد. اندیشمندان و دانشمندان ایرانی در آن مقطع زمانی

در زمینه‌های گوناگون اداری، مالی، ترجمه، تألیف، تبادل نظر و بحث و گفتگو با عباسیان نهایت همکاری را داشتند. اوج این نقل و انتقالات با تأسیس بیت الحکمه صورت گرفت. این مرکز که در واقع بخشی از دستگاه اداری عباسی بود مانند پل ارتباطی بین گذشته و نسل آن زمان ارتباط برقرارکرد و زمینه انتقال قوانین ساسانی را به دوره اسلامی فراهم کرد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، ترجمه حسن روحانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰ ش.
- ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- ابن ندیم، /لفهرست، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷.
- ابویوسف بن ابراهیم، الخراج، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۹.
- اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمانان از آغاز تاپایان دولت اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳ ش.
- اصفهانی، حمزه، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیاء)، ترجمه دکتر جعفر شعاع، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش.
- الفاخوری، حنا، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات توس، بی تا.
- امام شوشتری، محمدعلی، «تأثیر حقوق ایرانی روزگار ساسانی در گسترش حقوق اسلامی»، مجله بررسی های تاریخی، سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۴۹، ص ۵۱-۵۵.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۳۷ ش.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، تاریخ بلعمی، تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۳ ش.
- بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه اکبردانا سرشت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
- پروکوپیوس، تاریخ جنگهای ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، کتابخانه زوار، بی تا.
- جواد علی، تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام، ترجمه دکتر محمد حسین روحانی، بابل، انتشارات کتاب سرای بابل، ۱۳۶۷ ش.
- خوارزمی، ابو عبدالله، مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران، شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳ ش.
- دینوری، ابوحنیفه داود بن احمد، اخبار الطوال، ترجمه دکتر محمود مهدی دامغانی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۸ ش.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ ش.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.



- سامی، علی، نقش ایران در فرهنگ اسلامی، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۵ ش.
- شاپوریان، عنایت الله، بیست و پنج سده مالیات، انتشارات کتاب سرای بابل، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- صدیقی، غلامحسین، جنبش های دینی ایران در قرن های دوم و سوم هجری، تهران، پاژنگ، ۱۳۷۵ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲ ش.
- عرب، حسینعلی و حسین صادقی، «برآورد درآمدی مالیاتی ساسانی»، پژوهش نامه تاریخ، سال هشتم، شماره سی و دو، پاییز ۱۳۹۲، ص ۸۹-۱۱۱.
- فاضلی پور، طوبی، تاریخ کشاورزی در ایران باستان، تهران، پژوهنده، ۱۳۸۰ ش.
- فرای، ریچارد، تاریخ ایران کمبریج از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح محمد رمضان، تهران، پدیده کلاله خاور، ۱۳۶۵ ش.
- فرزانه و دیگران، «نظام مالیات ایران باستان و تاثیر آن بر نظام مالیاتی در دوره اسلامی»، کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، حقوق، اقتصاد و علوم انسانی، هفتم و هشتم تیرماه ۱۳۹۶.
- قدامه بن جعفر، الخراج وصنعه الکتابه، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه عبدالملک قمی، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات مجلس، ۱۳۶۱ ش.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- گوتاس، دیمیتری، تفکر یونانی و فرهنگ عربی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- لمبتون، ا.ک.س، مالک وزارع، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ ش.
- مأوردی، ابی الحسن علی بن محمد، احکام السلطانیه والولايات الدینیه، تحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت، المکتب العصریه، ۱۴۲۴.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب والعجم، تصحیح رضا انزایی نژاد و یحیی

کلاتری، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۳ش.

- میرزایی، علی اصغر، «بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان»، پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۰۹-۱۲۴.
- یعقوبی، ابن واضح، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.

- _____، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.

- Misri, A.Muchsin and AbdulManan, "History development of tax during the early Islamic period: jizyah and kharja", *jurnal al Tamaddun Bilm* , 14 (2), des 2019, 1-7. Doi: 10.22452/jat.vol14no2.1
- Rubin zeev, *the reforms of Khusro Anushirvan hn the Byzantine and early Islamic near east*, III: states Resources and Armies, ed by A.cameron, princeton, 1995.
- Salahuddin, salahuddin Mohd and ahmad Sitiasara Binti Hj, *Anciant History of Arabian Peninsul and semitic Arab Tribes*, Advances in social sciences Reserch journal, vol7, no5, publication date, May 2020.
- Wellhausen, Julius, *the arab kingdom and its fall*, curzonpress london, 1973.
- Yousefi Najm al-Din, *Knowledge and Social Order in Early Islamic Mesopotamia*, Blacksburg, Virginia, December, 2009.